

مدیریت خانواده و کارکردهای تربیتی آن از منظر قرآن و حدیث

محمد احسانی^۱

چکیده

مقاله حاضر در موضوع مدیریت خانواده و کارکردهای تربیتی آن از دیدگاه قرآن و حدیث، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع مربوط به مدیریت، تربیت و متون دینی در فضای کتابخانه به رشته تحریر درآمده است. هدف عمده مقاله، تبیین مدیریت خانواده و کارکردهای تربیتی آن در حیات مادی و معنوی است که آگاهی از این مطالب در شرایط کنونی، موجب ترغیب و اهتمام خانواده‌ها به اداره صحیح امور خانواده می‌شود. مدیریت خانواده از منظر آیات و روایات دو نوع کارکرد تربیتی به همراه دارد که عبارت‌اند از: نظم، سلوک رفتاری، روابط سالم خانوادگی، آرامش روحی و تثبیت سبک زندگی در خانواده. این دسته از کارکردهای تربیتی، با زندگی دنیایی خانواده ارتباط دارند و اعضای آن را به رشد و بالندگی هدایت می‌کنند. کارکردهای تربیتی نوع دوم، یعنی تقویت ایمان دینی، سلوک عبادی، تعهد عملی، تکامل معنوی و دریافت پاداش اخروی، زمینه‌ساز کمال معنوی و سعادت اخروی خانواده هستند. این دسته از کارکردهای مدیریت خانواده، اغلب با حیات اخروی افراد سروکار دارند و از منظر قرآن و حدیث، زمینه نیل به نعمت‌های اخروی را فراهم می‌سازند.

کلیدواژگان: مدیریت، مدیریت خانواده، سبک زندگی، کارکرد تربیتی، درون‌داد، فرایند،

برون‌داد.

درآمد

مدیریت خانواده از مسائل مهم در زندگی انسان است؛ به نحوی که هرگونه موفقیت و عدم موفقیت انسان در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی، به چگونگی اداره و پیوند اعضای خانواده بستگی دارد. هرگاه مدیریت صحیح در فضای خانواده اعمال شود، طبعاً اعضای آن همگی از موهبت‌ها، مهارت‌ها و استعدادهایشان در جهت بهبود وضعیت زندگی و رشد مادی و معنوی آن استفاده می‌کنند (فیلیپ، ۱۳۸۸: ص ۵۹). اینک مسئله‌ای که وجود دارد و دغدغه بسیاری از متدینان جامعه را فراهم آورده این است که امروزه زندگی خانواده‌ها اغلب به گونه‌ای اداره می‌شود که برنامه‌ریزی درست و تقسیم کار صحیح در آنها وجود ندارد. بسیاری از خانواده‌ها به مسائل دینی و عبادی فرزندان توجه ندارند یا کم‌توجه هستند؛ چنان‌که مطالعات و مشاهدات عینی از اوضاع خانواده‌ها در شهرها، روستاها، آشنایان، اقوام و همسایگان، بی‌تفاوتی خانواده‌ها را به تربیت عبادی معنوی فرزندان نشان می‌دهد (ر.ک: یوسف‌زاده، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۴۲). بنابراین، مسئله اصلی تحقیق، وجود نارسایی‌های موجود در زمینه کار، فعالیت، عبادت و معنویت در خانواده‌هاست که به نظر می‌رسد با مدیریت درست و زمان‌بندی مناسب امور خانواده، گرایش به عبادت و معنویت در فرزندان تقویت گردد.

با نظر به مسئله یادشده، لزوم تبیین و اجرای مدیریت خانواده از منظر قرآن و حدیث و در نتیجه تثبیت سبک مطلوب زندگی در خانواده، ضرورت انکارناپذیر دارد؛ چرا که آیات و روایات معصومین (علیهم‌السلام) توجه جدی به مسائل عبادی و معنوی خانواده داشته و راهکارهای مفید و قابل اجرا در این زمینه را ارائه داده‌اند. آموزه‌های این نوع آیات و روایات می‌بایست در خانواده‌ها در عمل تطبیق شود. براین اساس، سؤال اصلی تحقیق این است که: مدیریت خانواده و کارکردهای تربیتی آن از منظر قرآن و حدیث کدام‌اند؟

هدف اصلی از تدوین مقاله، این است که ضمن پاسخ مناسب به سؤال تحقیق، روحیه عبادی معنوی و زندگی سالم در اعضای خانواده تقویت گردد. این کار، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع موجود در کتابخانه و بهره‌مندی از فضای مجازی و سایت‌های اینترنتی در محیط پژوهشی انجام می‌گیرد. همچنین از نرم‌افزارها، مجلات، مطبوعات و دیگر منابع مربوط به مدیریت خانواده در تکمیل پژوهش استفاده می‌شود. ابتدا مطالعات متون دینی و به‌خصوص آیات و روایات و آثار مکتوب در زمینه مدیریت خانواده و یادداشت‌های مورد نیاز انجام و سپس با تجزیه و تحلیل داده‌ها به تحریر و تدوین مقاله اقدام می‌شود. این موضوع به لحاظ سابقه کاری دارای پیشینه غنی از آثار متعدد، اعم از کتاب و مقاله است؛ ولی در مجموع به مدیریت خانواده و کارکردهای تربیتی آن توجه نشده است.

مفهوم‌شناسی

مفاهیم اصلی به‌کاررفته در موضوع تحقیق عبارت‌اند از مدیریت، خانواده، مدیریت خانواده و کارکرد

تربیتی. با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعریف و بیان مقصود از آنها در آغاز بحث ضروری است؛ چه اینکه بدون شناخت معنای مورد نظر از کلمات کلیدی، نمی‌توان مسیر درستی در پژوهش انتخاب کرد و به هدف مورد نظر و نتایج مطلوب دست یافت. از این رو، در این بخش از نوشتار، به شناسایی و تعریف این واژگان می‌پردازیم.

۱- مدیریت (Management)

واژه «مدیریت» به مفهوم عام، در زبان دانشمندان این رشته کاربردهای متعددی دارد و معانی مختلفی برای آن ذکر شده است. هنر انجام وظایف به وسیله دیگران، علم و هنر هماهنگ‌سازی فعالیت‌های اعضای یک سازمان یا نهاد اجتماعی با استفاده از منابع جهت نیل به اهداف معین (الوانی، ۱۳۸۹: ص ۱۲) و نیز فراگرد برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و نظارت کار اعضای سازمان، از جمله تعاریفی هستند که برای مدیریت ذکر شده است (علاقه‌بند، ۱۳۸۵: ص ۱۰). منظور از مدیریت در این نوشتار شیوه به کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهدافی است که از نظام ارزشی اسلام تأثیر می‌پذیرد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸: ص ۱۱).

۲- خانواده (Family)

کلمه «خانواده» از یک سو، برگردان واژه لاتین (Family) در اصل از ریشه (Familia) به معنای برده و خدمتکار گرفته شده است (اعزازی، ۱۳۷۶: ص ۱۰) و از سوی دیگر، معادل کلمه «اُسره» به معنای دژ نفوذناپذیر و زیر محکم است (الزحیلی، ۱۴۲۰ق: ص ۱۹). صاحب‌نظران هرکدام بر اساس تخصص و حوزه کاری خود تعریفی از «خانواده» ارائه داده‌اند. برخی خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته‌اند؛ بعضی روابط خویشاوندی و هم‌خونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند؛ عده‌ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی عوامل روانی و جنسیتی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده‌اند (فرجاد، ۱۳۷۲: ص ۱۱). منظور از خانواده در این مقاله، کوچک‌ترین شکل انسانی است که از اجتماع، دست‌کم یک مرد و زن پدید می‌آید و اساس همزیستی آن دورا پیوند زناشویی از طریق ازدواج شرعی و قانونی شکل می‌دهد. این شکل انسانی، ممکن است در اثر تولد فرزند به تدریج افزایش یابد و افراد بیشتری را شامل گردد.

نکته مهم در مورد خانواده، استحکام و نفوذناپذیری آن در برابر عوامل منفی و موانع تحکیم این نهاد دینی و اجتماعی است. این ویژگی هم از معنای لغوی، یعنی اُسره و دژ نفوذناپذیر به دست می‌آید و هم متخصصان مسائل خانواده بر آن توافق نظر دارند. فرهنگ حاکم بر جوامع بشری در چگونگی شکل‌گیری و نوع رفتار درون خانوادگی نقش اساسی دارد (القصیر، ۱۹۹۹م: ص ۳۳). براین اساس، بنیاد خانواده در فرهنگ اسلام ویژگی‌هایی دارد متفاوت از آنچه در دیگر فرهنگ‌ها و به خصوص فرهنگ غرب مشاهده می‌شود؛ چنان‌که این استحکام خانواده از آیات قرآن به خوبی به دست می‌آید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ یکی از نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و آرامش شما باشد (روم: ۲۱). از این آیه استحکام خانواده به‌خوبی قابل استفاده است؛ چرا که اولاً آفرینش همسری از جنس خود انسان، دلیل بر سازگاری و زندگی پایدار خانوادگی است و هرگاه همسری از جنس غیر آدمی می‌بود، میزان سازگاری کاهش پیدا می‌کرد؛ ثانیاً برقراری آرامش در محیط خانواده نشانه تحکیم پایه‌های خانواده است و با اختلاف و تزلزل آرامش حاصل نمی‌شود. براین اساس، خداوند در آیه دیگر زن و مرد را لباس همدیگر تعبیر کرده و می‌فرماید: ﴿هُنَّ لِيَاسُ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسُ لَهُنَّ﴾ (بقره: ۱۸۷)؛ زوجین در حکم لباس برای یکدیگرند. این تشبیه دلیل دیگری بر تحکیم خانواده است که زن و شوهر مانند لباس و بدن به هم تنیده‌اند و به آسانی از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

۳- مدیریت خانواده

خانواده به لحاظ افراد حداقل از زن و مرد تشکیل شده و به مرور زمان با پیدایش فرزند افزایش می‌یابد. در این نوشتار طبق برخی تعاریف پیش‌گفته، از خانواده به‌عنوان یک سازمان مدیریتی یاد می‌شود که دارای حداقل چهار عضو است:

۱) پدر به‌عنوان مدیر و سرپرست سازمان که مدیریت، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، نظارت و کنترل و... را در محیط خانواده عهده‌دار است؛ چنان‌که خداوند مدیریت خانواده را به‌خاطر ویژگی‌های شخصیتی که دارد، به مرد سپرده است. خدای متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنان هستند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی دیگر قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند (نساء: ۳۴).

۲) زن به‌عنوان معاون در اداره امور خانواده مسئول نگهداری فرزندان و انجام فعالیت‌های درون خانواده معرفی شده است. پیامبر اسلام ﷺ در این مورد می‌فرماید: «وَالْمَرْأَةُ رَأِیَّةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ بَعْلُهَا وَوَلَدُهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ»؛ زن نگهبان است بر اهل بیت شوهر و فرزندان او و او مسئولیت تمام آنها را به عهده دارد (مسلم: ۱۴۰۱ق: ج ۳، ص ۱۴۵۹، ح ۲۰).

۳ و ۴) پسر و دختر خانواده به‌عنوان اعضای فرمان‌بردار دستورات و هدایت‌های والدین در محیط خانواده هستند. این سازمان چهار نفری محل بحث است که چگونه مدیریت اعضای آن قابل تحقق بوده و چه کارکردهایی به لحاظ تربیتی بر آن مترتب است؟

۴- کارکرد تربیتی

واژگان «کار» و «کارکرد» به لحاظ ریشه‌ای و معنایی نزدیک به هم هستند؛ هم معنای فعلی دارند (انجام دادن عملی) و هم معنای اسم مصدری؛ یعنی حاصل و نتیجه کار (ر.ک: دهخدا، واژه «کارکرد»). در اصطلاح

مدیریت و تعلیم و تربیت، به نتیجه و اثری اطلاق می‌شود که ناشی از مجموعه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک فرایند معین است؛ به نحوی که عوامل مختلف انسانی و غیرانسانی در پیدایش آن نقش دارند (ر.ک: رضائیان، ۱۳۸۹: ص ۲۰-۳۰). کارکردگرایی از همین ریشه به نظریه‌ای گفته می‌شود که در برخی علوم جدید مطرح است و نگاه پیامدی به پدیده‌های مورد مطالعه دارند. مثلاً کارکردگرایی در علوم اجتماعی می‌کوشد هر نهادِ مشخص اجتماعی و فرهنگی را در قالب پیامدهایی که برای جامعه دارد، تبیین کند (ر.ک: گولدوگولب، ۱۳۷۶: ص ۶۷۹). کارکرد در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا یا انسجام نظام اجتماعی دارد (محسنی، ۱۳۸۳: ص ۵۳). بنابراین، منظور از کارکرد تربیتی مدیریت خانواده در این مقاله، پیامدهایی است که از فرایند مدیریت، عاید خانواده و اعضای آن می‌شود. این موضوع در این نوشتار از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اهمیت مدیریت خانواده

مدیریت دقیق فعالیت‌های مادی و معنوی اعضای خانواده، به لحاظ کاربرد و اثربخشی در زندگی، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ چه اینکه برنامه‌ریزی درست برای اداره امور خانواده و تقسیم کار مناسب می‌تواند هم به شکوفایی استعدادهای افراد کمک کند و هم آنها را به رشد مادی و تکامل معنوی برساند. اعمال مدیریت در حقیقت با استفاده صحیح از عنصر زمان، گره خورده و فرد در صورتی می‌تواند مدیریت درست را به کار بگیرد که از زمان، استفاده بهینه برده باشد. دستورات دینی در اداره منظم و مؤثر زندگی و به خصوص خانواده، فراوان وارد شده و بر این موضوع همواره تأکید کرده‌اند. امام علی علیه السلام بر لزوم استفاده از سرمایه عمر و عنصر زمان می‌فرماید: «إِحْذَرُوا ضِيَاعَ الْأَعْمَارِ فِيمَا لَا يَبْقَى لَكُمْ، فَفَاتَتْهَا لَا يُعْوَدُ»؛ از تباه شدن عمرها در چیزی که برایتان باقی نمی‌ماند حذر کنید؛ چرا که عمر از دست رفته دوباره بازمی‌گردد (غررالحکم: ح ۲۶۱۸). لزوم استفاده از سرمایه عمر و جلوگیری از هدر رفتن آن، مبتنی بر مدیریت در زندگی است که باید زمان را مهار کرد و آن را تحت کنترل درآورد تا بهترین بهره‌ها را از اوقات شبانه‌روز به دست آورد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام در حدیث یادشده از تضييع عمر و از دست دادن زمان به شدت بر حذر داشته و به این نکته توجه داده است که زمان از دست‌رفته هرگز قابل بازگشت نیست. از این رو، باید در استفاده و مدیریت آن دقیق بود و جدی عمل کرد تا مبدا انسان برای گذشته دچار پشیمانی گردد. همچنین آن حضرت در روایت دیگر با تأکید بر مدیریت زندگی می‌فرماید: «تَزَوَّدْ مِنْ يَوْمِكَ لِغَدِكَ، وَاعْتَمِمْ عَقْوَ الزَّمَانِ، وَانْتَهِزْ فُرْصَةَ الْإِمْكَانِ»؛ از امروزت برای فردایت توشه بگیر و کثرت وقت را غنیمت شمار، و از فرصت بودن استفاده کن (همان: ج ۱، ص ۳۹۴). از این توصیه‌های مدیریتی به صورت عام، مدیریت خانواده نیز به دست می‌آید؛ چرا که مدیریت صحیح در زندگی به این است که هم امور زندگی به صورت مطلوب اداره شود و هم تربیت معنوی در اعضای خانواده تقویت گردد.

نظریه‌های مدیریت خانواده

نظریه‌های گوناگونی در مدیریت وجود دارند که هرکدام دارای چارچوب خاص خود است. در اینجا به سه نظریه به صورت مختصر اشاره می‌شود و از میان آنها نظریه مناسب با موضوع حاضر انتخاب و بر اساس آن، پژوهش به سامان می‌رسد. نخست، مدیریت علمی از جمله نظریه‌های مطرح در حوزه مدیریت است که به وسیله تیلور ارائه شده است (سینجر: ۱۳۷۸: ص ۱۲۶). تقسیم کار به اجزای کوچک‌تر، محور اصلی این نظریه است و بدین ترتیب هر جزئی از کار به فردی واگذار می‌شود که توانایی انجام آن را داشته باشد (توکلی، ۱۳۹۲: ص ۴۷). دوم، نظریه نهضت روابط انسانی است که پس از مدیریت علمی پدید آمد و بر اهمیت نقش انسان در سرنوشت سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی تأکید کرد. این نظریه افزون بر شرایط زیست - محیطی، انگیزه، روحیه، رفاه، گروه‌های غیررسمی، روابط حاکم بر اعضای سازمان و مانند آن را نیز بر وضعیت کاری کارکنان تأثیرگذار دانست. (ر.ک: علاقه‌بند، ۱۳۸۵: ص ۵۴). سوم، مکتب سیستمی از نظریه‌های جدید در مدیریت است که بر کل‌نگری و اندام‌وارگی سازمان مدیریتی اهتمام می‌ورزد (الوانی، ۱۳۸۸: ص ۹). نظریه سیستمی در تعلیم و تربیت هم کاربرد وسیعی دارد؛ چون براین اساس به خوبی می‌توان فعالیت‌های آموزشی و تربیتی را طراحی، سازمان‌دهی و اجرا کرد (بازرگان، ۱۳۸۹: ص ۱۲). در این پژوهش از همین نظریه سیستمی استفاده می‌شود و چارچوب نظری کل‌نگر و اندام‌وارگی برآمده از این دیدگاه، ساختار اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد.

بر اساس نظریه سیستمی، خانواده به منزله یک نظام کوچک اجتماعی، دارای مجموعه اجزای به هم پیوسته است که برای تحقق اهداف مشترک به صورت هماهنگ فعالیت می‌کند. هرگاه یکی از اجزای نظام دچار مشکل شود یا از کار بیفتد، همه اجزا آسیب می‌بینند و نمی‌توانند فعالیت خود را انجام دهند. طبق نظریه سیستمی، اجزای اصلی نظام خانواده عبارت‌اند از: درون‌داد (input)، فرایند (process) و برون‌داد (output). این سه عنصر در ارتباط با محیط (environment) پیرامونی و تعامل با یکدیگر، به گونه‌ای باید عمل کنند که درون‌دادها پس از عبور از فرایند تغییر و تبدیل‌های مناسب، برون‌دادها و کارکردهای مورد نظر را به وجود آورند (همان: ص ۱۳). درون‌دادهای نظام خانواده عبارت‌اند از: اعضای ساکن در خانه، امکانات، دستورات و ارزش‌های مستفاد از آیات و روایات، زمان، عبادات، وظایف، فعالیت‌های معیشتی و ... که از بیرون وارد سیستم خانواده می‌شوند و در فرایند مدیریت مورد پردازش قرار گرفته، به کارکردها و برون‌دادهای سودمند تبدیل و از سیستم بیرون می‌روند. پیش‌بینی می‌شود که با اجرای صحیح فرایند مدیریت، شکل‌گیری سبک زندگی مطلوب و تعیین سلوک معنوی خانواده به عنوان مهم‌ترین برون‌داد نظام خانواده معرفی گردد.

فرایند مدیریت خانواده

همان‌گونه که در بیان نظریه‌های مدیریت گفته شد، مقاله در دو بخش درون‌دادها و برون‌دادها یا کارکردهای مدیریت خانواده ارائه می‌گردد که شامل عوامل مؤثر در فرایند مدیریت و کارکردهای تربیتی آن

است. در مدیریت خانواده درون‌دادهایی وجود دارند که از بیرون وارد محیط خانه می‌شوند و در طی فرایند مدیریت، با تغییر و تحول به وجود آمده و بعد از پالایش، به برون‌داد و کارکرد تبدیل می‌شوند. این درون‌دادها دست‌کم در سه دسته قابل گردآوری هستند که عبارت‌اند از:

(۱) درون‌دادهای فیزیکی و طبیعی که در کانون خانواده حضور دارند و محور اصلی فعالیت‌های خانوادگی را تشکیل می‌دهند؛

(۲) درون‌دادهای عرفی و اجتماعی که در داخل خانواده بستری برای فعالیت‌های اعضا ایجاد می‌کنند؛

(۳) درون‌دادهای معنوی که به مفاد آیات و روایات و دستورات ناشی از آن اطلاق می‌شود و وظایف افراد را معین می‌کنند.

این سه دسته درون‌داد اجمالاً در مدیریت خانواده وجود دارند که به دلیل رعایت اختصار، از بحث تفصیلی پیرامون آنها صرف‌نظر کرده و تنها به مؤلفه‌های مهم فرایند مدیریت خانواده بسنده شده است.

۱- برنامه‌ریزی (planning)

برنامه‌ریزی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه مدیریت خانواده که از جمله درون‌دادهای آن شمرده می‌شود، در چگونگی برون‌دادهای خانواده و کارکردهای آن نقش اساسی دارد. برنامه‌ریزی فرایندی است که طی آن مدیر هدف را تعیین و آینده‌سازمان را پیش‌بینی و امکانات و مسیر فعالیت‌های پیش‌رو را مشخص می‌کند (الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۶). برنامه‌ریزی دو رکن اصلی دارد که عبارت‌اند از: تعیین اهداف (goal-setting) و پیش‌بینی (forecasting) راه‌ها و امکانات لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی یعنی تعیین هدف‌ها و پیش‌بینی راه‌ها و امکانات لازم برای دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین‌شده (همان). آنچه در مدیریت خانواده باید مورد توجه قرار گیرد، نگاه سیستمی و جامع به تمام اعضای خانواده به‌عنوان یک سازمان مدیریتی است. نگاه سیستمی یعنی نگاه از بالا به پایین و نگرش به تمام اجزای سازمان و فعالیت‌های آنان به‌صورت سیستماتیک و یکسان؛ به‌نحوی که ارتباط مدیر با اعضا و ارتباط هر عضوی با اعضای دیگر در فرایند کار خانوادگی مد نظر قرار گیرد؛ چه اینکه روابط صحیح اعضای خانواده با همدیگر مثلاً رابطه پدر با مادر، فرزندان با پدر و مادر و نیز فرزندان با یکدیگر، میزان کارایی و موفقیت آنها را افزایش می‌دهد و نتیجه کار هم به خود آنها برمی‌گردد.

خدای متعال به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾؛ اگر نیکی کنید به خود کرده‌اید و اگر بدی کنید باز هم به خود بدی کرده‌اید (اسراء: ۷). این آیه در حقیقت به یک کار سازمانی با نگاه سیستمی و نتایج مثبت و منفی آن به لحاظ برنامه‌ریزی دلالت دارد؛ بدین معنا که واژگان «أَحْسَنْتُمْ» اول و «أَسَأْتُمْ» ناظر به برنامه‌ریزی و مدیریت درست است که مدیر باید با نگاه کلان به زیرمجموعه‌ها برای هرکدام از واحدها و اعضا برنامه صحیح تنظیم و به آنها ارائه دهد. از این مرحله

هم اوقات شبانه روز پُر شود و هم گامی در جهت نیل به اهداف مورد نظر بردارد. چنین برنامه‌ای در شبانه روز و عمل به آن در تنظیم فعالیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی فرد، نقش اساسی دارد و موجب رشد مادی و معنوی وی می‌شود.

قرآن کریم به برنامه‌ریزی شبانه روز اشاره نموده و اوقات نمازهای یومیه را برای نمازگزاران به عنوان یک وظیفه دینی و الهی این گونه معین می‌کند: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾؛ نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار، و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را؛ چرا که قرآن فجر مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است (اسراء: ۷۸). این آیه به تعیین اوقات نماز یومیه پرداخته و نمازهای ظهر و عصر که از زوال خورشید (دلوک) شروع می‌شود و نماز مغرب و عشا که تا نیمه شب وقت دارد، مشخص شده است. در نهایت نماز صبح را هنگام طلوع فجر (قرآن الفجر) باید به جا آورد. در این آیه مدیریت زمان به صورت دقیق و روشن انجام شده که در ۲۴ ساعت شبانه روز در اوقات معین باید نماز خواند و نه در غیر آن. اگر کسی در خارج از زمان‌های تعیین شده نماز بخواند، باطل است (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۲۲). همچنین در آیه دیگر به تعیین سه نماز اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ﴾؛ در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار (هود: ۱۱۴). دو طرف نهار اشاره به نماز صبح و مغرب و ﴿زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ﴾ اشاره به نماز عشا است (همان: ج ۹، ص ۲۶۵).

از این آیات، مدیریت زمان در مورد نماز اعضای خانواده به عنوان برترین عبادت الهی استفاده می‌شود و وقت نمازهای یومیه به خوبی معین شده است. روایتی از امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه آمده و اوقات نمازهای یومیه را بیان کرده و می‌فرماید: ﴿«أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ» وَ طَرَفَاهِ الْمَغْرِبِ وَالْغَدَاةِ ﴿وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ﴾ وَ هِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ﴾؛ نماز را در دو طرف نهار یعنی صبح و مغرب برپا دار و اوایل شب که نماز عشا است (حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۴۰۱). امام علی علیه السلام در کلامی تقسیم اوقات را در شب و روز ضروری دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ لَيْلَكَ وَ نَهَارَكَ لَا يَسْتَوْعِبَانِ لِجَمِيعِ حَاجَاتِكَ فَأَقْسِمُهَا بَيْنَ عَمَلِكَ وَ رَاحَتِكَ»؛ همانا شب و روز تو فرصت کافی برای رسیدن به همه امور و نیازهایت نیست؛ پس آنها را میان کار و استراحت خود تقسیم کن (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۸۰)؛ زیرا هرکس در شبانه روز کارهای زیادی را در نظر دارد که می‌خواهد انجام دهد؛ ولی ۲۴ ساعت ظرفیت انجام همه آنها را ندارد؛ ازاین رو، باید برنامه‌ریزی و اولویت‌گذاری کند و یک نوع تقسیم زمان در نظر بگیرد، تا هم بتواند به کارهایش برسد و هم استراحت کافی داشته باشد. پدر به عنوان مدیر خانواده طبق آیات و روایات پیش گفته باید اوقات نماز را به اهل خانه ابلاغ و به آنان تفهیم کند تا فرزندان ضمن انجام دیگر وظایف، به امثال عبادات و به خصوص نماز با میل و اراده بپردازند.

۳- سازمان‌دهی (organizing)

سازمان‌دهی از مؤلفه‌های مهم مدیریت خانواده، فعالیتی است مستمر که هدف کلی آن مشخص کردن هدف‌های جزئی، وظایف و اختیارات واحدها و اعضای سازمان و نیز ایجاد هماهنگی و ارتباط میان فردی آنهاست؛ به نحوی که همه آنها در مسیر تحقق هدف واحدی گام بردارند (الوانی، ۱۳۸۵: ص ۹۵). مدیر باید سازمان و نیروهای سازمانی را با شرایط جدید و محیط کاری نوظهور به صورت مستمر تطبیق دهد؛ زیرا ممکن است تحولاتی در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش آید که روند فعالیت‌های سازمان را با چالش مواجه سازد. در چنین وضعیتی وظیفه مدیر است که اصلاحات لازم را در سازمان و فرایند کاری آن به وجود آورد (همان). هرچند امروزه با سازمان‌های کلان و پیچیده‌ای مواجه هستیم، ولی سازمان‌دهی در خانواده به عنوان یک سازمان کوچک مدیریتی چندان پیچیده و مشکل نیست؛ بلکه با مقداری تدبیر، درایت و کارورزی، همراه با بهره‌مندی از تفکر منطقی و روحیه سازگاری با زیردستان، قابل حل است؛ چه اینکه مدیر، یعنی پدر طبعاً از موقعیت برتری در نهاد خانواده برخوردار است و با مهر پدرانه به اعضای خانواده، به آسانی می‌تواند به تنظیم و تدبیر امور مادی و معنوی خانوادگی بپردازد.

سازمان‌دهی امور خانواده در زمینه عبادی - معنوی و دیگر فعالیت‌های خانوادگی در قرآن کریم، ضمن دستورالعمل‌های تربیتی لقمان حکیم به فرزندش، به صورت روشن انجام گرفته است. حضرت لقمان به عنوان پدر و مدیر خانواده، به فرزندش دستوراتی داده و می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾؛ ای فرزند عزیزم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر این کار، از مردم نادان هر آزاری بینی، صبر پیشه گیر که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق، نشانه‌ای از تصمیم ثابت (مردم‌بلندهمت) در امور لازم عالم است (لقمان: ۱۷).

طبق این آیه شریفه، لقمان به عنوان مدیر، به مدیریت و سازمان‌دهی فعالیت‌های اعضای خانواده پرداخته و تدبیر کاری را برای نیروهای عملیاتی ارائه داده است. او از مقام برتر مدیریتی با استفاده از روش عاطفی و استفاده از کلمه «بُنَيَّ»، عاطفه فرزند را در پسرش به حرکت آورده، آن‌گاه نخستین دستور سازمانی را که اقامه نماز است، به او داده است؛ یعنی فرزند عزیزم! نماز را به عنوان حق خدا بر بندگان در اولین گام برپا دار که رابطات را با آفریدگارت برقرار می‌سازد. سپس امر به معروف و نهی از منکر را از فرزندش خواسته که یک امر اجتماعی است و در مرتبه دوم از عبادت قرار دارد. در مرحله سوم، طرح امور عادی و معیشتی خانواده را سفارش کرده است که در صورت برخورد با مشکلات باید صبر و بردباری پیشه‌کند؛ چرا که شکیبایی در مسیر انجام وظیفه، مهم‌ترین راه در موفقیت و دستیابی به نتیجه مطلوب است. لقمان تحمل سختی‌ها را در راه رسیدن به هدف، از نشانه‌های بلندهمتی مردان مؤمن و پرتلاش در نیل به هدف، لازم شمرده است که صبر در مسیر زندگی، انسان را به هدف می‌رساند. امام علی (علیه السلام) در مورد سیره مدیریتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در محیط خانواده می‌فرماید: ایشان

بعد از نزول دستور اعضای خانواده به نماز و شکیبایی در انجام آن، خانواده‌اش را به نماز امر می‌کرد؛ هم خودش و هم خانواده بر آن شکیبایی می‌ورزیدند (ری‌شهری، ۱۳۸۵: ص ۱۴۰).

۴- کنترل و نظارت (Control and Supervision)

کنترل و نظارت دو اصطلاح قریب به یک معنا هستند که در جریان کلی مدیریت و مدیریت خانواده با کاربرد وسیع ضرورت انکارناپذیر دارند. این دو، ابزار کار مدیر خانواده است که به وسیله آن می‌تواند کارهای انجام‌شده را با آنچه پیش‌بینی شده و بناست تحقق یابد، مقایسه کند و در صورت انحراف از برنامه، تجدید نظر و اصلاحات در مورد آینده را انجام دهد. کنترل و نظارت، فعالیتی است که باید‌ها را با موجودها مقایسه می‌کند و تصویر روشن از اختلاف یا تشابه آن دورا در اختیار مدیر قرار می‌دهد (الوانی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۰). مدیر بر اساس نتیجه به‌دست‌آمده از فرایند کنترل و نظارت، در جهت رفع نواقص و اصلاح فرایند مدیریت اقدام می‌کند. در فضای خانواده هم همین روند برقرار است و مدیر خانواده با نظر به زمان‌بندی و برنامه‌ریزی از پیش تعیین‌شده، کارهای انجام‌گرفته را با فعالیت‌های باقی‌مانده و زمان اذ دست‌رفته را با زمان در اختیار، مقایسه نموده و اقدام اصلاحی را پی می‌گیرد. کنترل و نظارت در چهار بازه زمانی مربوط به عبادات، امور معیشتی، امور خانوادگی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی صورت می‌گیرد که طبق زمان تعیین‌شده، هرکدام باید در زمان‌های مخصوص به خود انجام شود.

مدیر خانواده وظیفه دارد فرایند کنترل و نظارت را در مورد فعالیت‌های زیردستان و زمان‌هایی که باید کارها در آن اوقات به مرحله اجرا درآید، دقیقاً زیر نظر داشته باشد؛ چه اینکه پیامبر اسلام ﷺ پدر را مدیر و مسئول امور خانواده قرار داده و می‌فرماید: «وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ» (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۷۲، ص ۲۸)؛ مرد (پدر) مسئول اعضای خانواده‌اش است و باید بر رفتار آنان نظارت داشته باشد؛ چون لازمه مسئولیت، لزوم کنترل رفتارهای زیردستان است تا مبدا در اثر غفلت و تبلی، به انحراف کشیده شوند. همچنین امام علی بن الحسین (علیه السلام) در مورد حق فرزند بر پدر می‌فرماید: «أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمُعَاوَنَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَفِي نَفْسِهِ»؛ تو در مورد پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او (فرزندت) به راه پروردگارش و یاری رساندن به وی در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق او مسئول هستی (مجلسی: ۱۴۰۳: ج ۷۴، ص ۲).

امام سجاده (علیه السلام) در این روایت که در رساله حقوق آن حضرت آمده است، به مدیریت و مراقبت از تربیت فرزند اشاره نموده و پدر را مسئول آن معرفی کرده است؛ چون او خطاب به پدر خانواده فرمود: «أَنَّكَ مَسْئُولٌ»؛ تو وظیفه مدیریت و مراقبت از زیردستان و به‌ویژه فرزندان را داری. در این روایت، ادب‌آموزی نیکو، راهنمایی به راه پروردگار، فرمان‌برداری فرزند از پدر و مادر و امور مربوط به خودش، از جمله حوزه‌های مدیریتی در فضای خانواده بیان شده که با تقسیم اوقات شبانه‌روزی پیش‌گفته در روایات قبلی انطباق دارد.

براین اساس، کنترل و نظارت، از جمله اصول مهم در مدیریت زمان و تدبیر امور خانواده است که طبق دستور خدا و اولیای خدا بر عهده مدیر سازمان، یعنی پدر فرزندان گذاشته شده است. در نتیجه پدر با نظارت و مراقبت درست از عملکرد اعضای خانواده، می تواند سبک زندگی آنان را در ابعاد مختلف امور خانوادگی شکل دهد و در رفتار ایشان نهاده سازد. در این صورت، تمام خانواده، اعم از مدیر، معاون و فرزندان، از آسیب های اخلاقی و رفتاری مصون خواهند بود.

کارکردهای تربیتی

کارکردهای تربیتی و به عبارت دیگر برون دادهای مدیریت خانواده به دو دسته تربیتی - اجتماعی و تربیتی - معنوی تقسیم می شود. دسته اول کارکردهایی هستند که در زندگی خانوادگی و دنیایی مؤثرند و دسته دوم در زمینه سازی برای زندگی اخروی ایفای نقش می کنند. هرکدام از این دو قسم با استناد به آیات قرآن و روایات اسلامی به صورت مختصر بیان می گردد.

الف) کارکردهای تربیتی - اجتماعی

این دسته از کارهای تربیتی مدیریت، بیشتر به اداره و حیات دنیایی خانواده مربوط است که دارای مصادیق متعدّدند. با اجرای دقیق مدیریت و برنامه ریزی صحیح در محیط خانواده، نتایج مثبت و مفیدی عاید اعضای این نهاد کوچک اجتماعی می شود که هرکدام در بهبود و رشد زندگی خانوادگی نقش بسزا دارد. در اینجا به مهم ترین برون دادها و کارکردهای تربیتی مدیریت در زندگی خانوادگی که در اداره و پیشرفت خانواده مؤثرند، اشاره می گردد:

نظم و انضباط

نظم در زندگی مهم ترین عامل موفقیت و پیشرفت انسان در عرصه های مختلف حیات فردی و اجتماعی است. با اجرای مدیریت و نظارت مستمر مدیر خانواده بر رفتار اعضای آن، به تدریج نظم و انضباط در میان آنان شکل می گیرد و همه افراد در انجام وظایف دینی و معیشتی خود منضبط و منظم پرورش می یابند. امام علی علیه السلام در وصیتی به فرزندان و بستگان و همه مسلمانان می فرماید: «أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعُ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ»؛ شما (حسن و حسین) و همه فرزندانم، اهل بیتم و کسانی را که وصیتم به آنها می رسد، به تقوای خدا و نظم در زندگی وصیت می کنم (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۳، ص ۴۴۱). مردان بزرگ طبعاً به موضوعات مهم و مفید برای عموم بشر که در حیات آنها بسیار مؤثر هستند، وصیت می کنند. امام علی علیه السلام طبق این روایت، در واپسین لحظات زندگی شان به دو موضوع بسیار مهم و سرنوشت ساز به عنوان وصیت به بازماندگان تأکید کرده است که عبارت اند از:

۱) تقوای الهی و پرهیزگاری که بزرگ ترین ارزش اخلاقی در نظام اسلامی شمرده می شود، مورد توصیه امام علی علیه السلام قرار گرفته است. تقوا ملکه باطنی است که انسان را از درون کنترل می کند.

نکته قابل توجه در این روایت این است که خطاب علی علیه السلام به خانواده و فرزندان ایشان است و نظم در امور خانواده را از آنان خواسته است. این مسئله، ارتباط محتوای روایت با موضوع مدیریت در خانواده و سبک زندگی اعضای آن را بیشتر روشن و تثبیت می‌کند. تقوا محصول ایمان و باورهای قوی دینی و اعتقادی است که برای فرد حاصل می‌شود. همچنین نظم بعد از تقوا مهم‌ترین موضوع تأثیرگذار در حیات آدمی است که مورد توصیه امام علی علیه السلام قرار گرفته و با رعایت این دو عامل، زندگی انسان روبه‌راه می‌شود. بدیهی است که رعایت تقوا و نظم در زندگی، مستلزم مدیریت خانواده است؛ به‌نحوی که نظم بدون عمل به برنامه‌ریزی و تقسیم اوقات، حاصل نمی‌شود. سبک زندگی در حقیقت از این مدیریت و نظارت و کنترل مداوم به‌وسیله مدیر خانواده به دست می‌آید. در نتیجه نظم و انضباط محصول مدیریت خانواده است و می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد تربیتی اجتماعی فرایند مدیریت خانواده و برنامه‌ریزی روزانه به مخاطبان عرضه داشت.

با رعایت نظم و انضباط در محیط خانواده و استمرار آن با برنامه‌ریزی دقیق و فعال، سلوک رفتاری و کارهای اعضای خانواده به‌صورت نظام‌مند انجام می‌گیرد. این مورد هم از کارکردهای مهم درون‌دادها در مدیریت خانواده است که به شکل‌گیری سلوک رفتاری مطلوب منتهی می‌شود. موفقیت خانواده محصول نظم و ترتیب و انجام به‌موقع وظایف به‌وسیله مدیر، معاون و نیروی عملیاتی خانواده است که عبارت‌اند از پدر، مادر و فرزندان در یک خانواده. قرآن کریم در مورد سلوک رفتاری و انجام به‌موقع کارها در یک خطاب عمومی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِّشَیْءٍ اِنِّیْ فَاعِلٌ ذٰلِکَ غَدًا﴾؛ دربارۀ هیچ چیز و هیچ کار، نگو که من حتماً آن را فردا انجام می‌دهم (کهف: ۲۳)؛ چون فردا زمان دیگری است که معلوم نیست در اختیار مدیر و اعضای خانواده باشد. همچنین نهی قرآن از تنبلی و به تأخیر انداختن کار از موقعش، دلیل بر اهمیت انجام به‌موقع هر وظیفه‌ای در وقت خاص آن است. طبق این آیه انسان نباید کار امروز را به فردا بگذارد و در همان روز حاضر باید انجام دهد.

امام علی علیه السلام در مورد سلوک رفتاری مطلوب می‌فرماید: «امِضْ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ»؛ هر روز به کارهای همان روز پرداز؛ زیرا کار هر روزی اختصاص به روز خود دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ چرا که تأخیر عمل از وقتش موجب پشیمانی است. در این زمینه، علی علیه السلام همچنین می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ الْأَنْ أَلَا نَ الْآنَ مِنْ قَبْلِ النَّدَمِ»؛ ای مردم! اینک، اینک! [تا فرصت دارید کار کنید] پیش از آنکه پشیمان شوید (طوسی، ۱۳۱۷ق: ص ۶۸۸)؛ چه اینکه به فرموده امام باقر علیه السلام: «الْيَوْمُ غَنِيمَةٌ وَ غَدًا لَا تَدْرِي لِمَنْ هُوَ»؛ روز حاضر را غنیمت بشمار؛ چون روز بعد را نمی‌دانی برای کیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۸، ص ۱۷۹). در این

روایات به انجام به موقع امور تأکید شده است؛ چرا که با تأخیر کار از وقت انجام آن، ممکن است فرد به علت فوت عمل، دچار ندامت گردد؛ زیرا فرصت فوت شده دوباره معلوم نیست برگردد و فرد از آن بهره‌مند شود. با این مواظبت و مدیریت و انجام هر کار به موقع، به تدریج سلوک رفتاری مطلوب در مورد اعمال روزانه و عبادات یومیه محقق می‌گردد.

روابط سالم خانوادگی

با توجه به برون‌دادها و کارکردهای پیش گفته، حاکمیت نظم و انضباط و انجام دادن به موقع کارها، روابط شکل گرفته در خانواده سالم و بدون اختلاف و نزاع خواهد بود. قرآن کریم و روایات اسلامی رابطه سالم اعضای خانواده را مهم دانسته و برای تحقق آن راهکارهایی را ارائه داده است. راه ایجاد رابطه درست میان اعضای خانواده این است که مرد به عنوان مدیر و سرپرست، زن به منزله مددکار و مدیر داخل خانه و فرزندان به مثابه نیروی عملیاتی این سازمان کوچک مدیریتی کار کنند که اگر به همین ترتیب، مرتب و منظم شوند و هر کدام به مسئولیت‌های خود متعهد باشند، روابط سالم و مستحکمی میان آنها شکل خواهد گرفت. روابط خانوادگی، در اخلاق اسلامی به صورت منطقی و عقلایی تنظیم شده که اگر در محیط خانواده رعایت گردد، هیچ مشکلی میان اعضای آن پیش نمی‌آید.

از دیدگاه آیات و روایات، کانون گرم خانواده فضایی است برای ابراز عشق و عاطفه، همبستگی، تعاون، همفکری و همکاری میان اعضای آن. کودکان در دامن پر مهر خانواده رشد می‌کنند، بزرگ می‌شوند و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را از طریق خانواده دریافت می‌دارند. میان پدر و مادر و فرزندان با وظایف تعریف شده، یک نوع رابطه دوسویه برقرار می‌گردد که اگر آنها به آن عمل کنند، روابط صددرصد سالم در فضای خانواده ایجاد خواهد شد (گروه روان‌شناسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۴۱)؛ چرا که جامعه‌پذیری فرزندان در حقیقت از محیط خانواده آغاز و به تدریج در محیط اجتماعی تکامل می‌یابد. پیامبر اسلام ﷺ در مورد این رابطه می‌فرماید: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ»؛ فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو گردانید تا مورد رحمت قرار گیرید (عاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۵، ص ۱۹۵). در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام حق پدر، مادر، فرزند، خواهر و برادر معین شده و اگر نظام حقوقی خانواده بر اساس آن تنظیم و در فضای خانواده اجرا شود، هیچ ظلم و بی‌عدالتی در محیط خانه نخواهد بود. بنابراین، با مدیریت صحیح و رعایت حقوق اعضای خانواده از طرف مقابل، یک نوع روابط سالم و قوی میان آنها پدید می‌آید که در هر شرایطی مستحکم و پایدار خواهد بود. این رابطه سالم، از برون‌دادها و کارکردهای مهم تربیتی اجتماعی مدیریت خانواده است که یقیناً موجب رشد مادی و معنوی اعضای ساکن در این نهاد مقدس خواهد بود.

آرامش روحی و روانی

از دیگر برون‌دادها و کارکردهای تربیتی مدیریت خانواده، آرامش روحی و روانی اعضای خانواده است



که با مدیریت و نظارت و کنترل صحیح در محیط خانواده به وجود می‌آید؛ زیرا با تقسیم اوقات شبانه‌روز و استمرار آن در هفته، ماه و سال، هرکدام از اعضای خانواده به انجام وظیفه خود می‌پردازند. بدین ترتیب، اختلاف و نزاع که عامل عمده اختلال روان، اضطراب و افسردگی است، در فضای خانواده راه پیدا نمی‌کند. در نتیجه یک فضای آرام، ساکت و بی‌دغدغه در میان اعضای خانواده حاکم می‌شود که هریک آنها جز به انجام وظیفه خویش به چیزی نمی‌اندیشند. چنان‌که به تصریح قرآن کریم، هدف ازدواج هم آرامش روحی و روانی اعضای خانواده معرفی شده است. خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند (روم: ۲۱).

در این آیه نکاتی در مورد زندگی خانوادگی وجود دارد که قابل توجه است:

(۱) وحدت سنجی آفرینش همسر از جنس مردان، نه از غیر انسان، مانند جن و ملک، دلیل بر زمینه‌سازی آرامش روانی همسران در خانواده است؛ چرا که انس و آرامش با غیرهم‌سنخ چه‌بسا مشکل‌تر از هم‌سنخ است. (۲) این آفرینش و تشکیل خانواده، از نشانه‌های خدای متعال در زمین ذکر شده که بدین طریق می‌توان خدا را شناخت و به وجود حق تعالی ایمان آورد.

(۳) ایجاد آرامش روحی و روانی به‌عنوان هدف عالی ازدواج بیان شده که مرد و زن با تشکیل خانواده به آرامش می‌رسند.

(۴) ایجاد محبت و دوستی فوق‌العاده میان زن و شوهر در آیه ذکر شده که عامل اصلی آرامش روانی خانواده است.

(۵) این نکات را ارباب عقول می‌فهمند و در زندگی خانوادگی خود عملیاتی می‌کنند. در نهایت، آرامش روحی و روانی، از برون‌دادها و کارکردهای تربیتی اجتماعی مهم مدیریت خانواده است که با برنامه‌ریزی صحیح و هدف‌گذاری و اولویت‌بندی و نظارت کامل در میان اعضای خانواده تحقق می‌یابد.

تثبیت سبک زندگی

تثبیت سبک زندگی، آخرین کارکرد تربیتی از دسته اول است که در این مقاله به آن اشاره می‌شود. این کارکرد، در اثر مدیریت صحیح خانواده پدید می‌آید. مدیریت خانواده چیزی است که عملکرد اعضای خانواده آن را اصلاح می‌کند. بدین ترتیب، ضمن برقراری نظم و انضباط در فضای خانواده، به تدریج سبک زندگی در میان افرادی که در محیط خانواده به سر می‌برند نیز شکل می‌گیرد. همان‌گونه که در برنامه روزانه گفته شد، با تقسیم ۲۴ ساعت به سه یا چهار بخش عبادی، معیشتی، امور خانوایی و سیاسی - اجتماعی و با استمرار برنامه‌های آن، روش زندگی در ارتباط با خدای متعال و در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و

اجتماعی تثبیت می‌شود؛ چون تمرین و تکرار عامل تثبیت رفتار متربی است و هر اندازه این کار بیشتر و منظم‌تر انجام گیرد، موجب عادت رفتاری و تثبیت آن رفتار در فراگیران می‌شود. شرکت اعضای خانواده در انجام عبادات به صورت مکرر و منظم در اوقات معین، باعث می‌شود که آن عمل هر روز در بازه زمانی مشخص برای اعضای خانواده ایجاد ملکه کند و هر روز بدون معطلی و مشکل، عبادات را انجام دهند (ر.ک: سیف، ۱۳۸۸: ص ۲۸۶)؛ چنان‌که رسول الله ﷺ با دستور خداوند و نیز اهل بیت علیهم السلام آن حضرت، پیوسته عبادت‌های الهی را سِروقت در اوقات مشخص انجام می‌دادند و این روش هم در زندگی آنها و هم در پیروانشان تثبیت گردید. همچنین فعالیت‌های غیرعبادی هم اگر به موقع و منظم انجام گیرد، برای افراد خانواده عادت می‌شود و نه تنها برای آنها سنگین نخواهد بود، بلکه بدون سُستی و تنبلی و با میل و رغبت، به اجرای برنامه‌های کاری خود ادامه می‌دهند.

روایات در باب مدیریت خانواده و بهره‌گیری مناسب از زمان و اوقات شبانه‌روز فراوان است. امام علی علیه السلام ضرورت استفاده از زمان را مورد توجه قرار داده و در کلامی می‌فرماید: «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا»؛ کارها گروگان زمان‌های خود هستند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۷، ص ۱۶۵). کلمه «الامور» در روایت شامل همه فعالیت‌های روزمره اعم از عبادی و غیرعبادی است که همه آنها در گرو زمان خاص خود هستند و نباید مورد غفلت و بی‌تفاوتی قرار گیرد؛ بدین معنا که هر کاری از کارهای شبانه‌روز حتی کارهای روزانه را باید به موقع انجام داد و تغافل از آن به هیچ وجه روا نیست؛ چون از دست رفتن فرصت و هدر دادن زمان به نظر امام علی علیه السلام یک نوع حماقت و بی‌خردی است که نباید دامن‌گیر انسان عاقل گردد. به فرموده آن حضرت: «مَنْ الْخُرْقُ تَرَكَ الْفُرْصَةَ عِنْدَ الْإِمْكَانِ»؛ فرصت که به دست آمد، از دست دادن آن نشانه حماقت و ابله‌ی است (آمدی، ۱۳۶۶: ج ۶، ص ۴۵). این امر، یعنی مدیریت زمان در فعالیت‌های شبانه‌روز، کوتاه‌مدت و بلندمدت، هرکدام باید با برنامه‌ریزی دقیق انجام گیرد و بدون مدیریت اوقات کاری و عبادی، فرد دچار سفاهت و بی‌خردی شده و ندامت غیر قابل جبران دامن‌گیر او می‌شود. آن حضرت در یک جمله کوتاه، استفاده از «فرصت» را لازم شمرده و می‌فرماید: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً»؛ فرصت را دریاب، پیش از آنکه از دست دادنش موجب اندوه گردد (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ چه اینکه در صورت از دست رفتن وقت و رسیدن به منزل آخر و نبود اعمال شایسته، هرکس دچار ندامت و اندوه می‌شود که بسیار دیر و غیر قابل جبران است. در مجموع با مدیریت خانواده و کارکردهای تربیتی - اجتماعی آن، در نهایت سبک زندگی مطلوب در فضای خانواده که از نیازهای روز جامعه است، نیز شکل گرفته و تثبیت می‌شود.

ب) کارکردهای تربیتی - معنوی

کارکردهای تربیتی - معنوی و به عبارتی برون‌دادهای مدیریت خانواده، ناظر به اثراتی است که از فرایند مدیریت عاید خانواده می‌شود و اغلب زمینه سعادت اخروی برای اعضای خانواده را فراهم می‌آورد؛ چون

آثاری که موجب رشد روحی و معنوی همسران و فرزندان در محیط خانواده می‌شود، هرکدام سعادت اخروی افراد را نیز تأمین می‌کند. نکته اساسی این نوع از کارکردهای تربیتی این است که همه آنها در مسیر تکامل معنوی و زمینه‌سازی سعادت اخروی اعضای خانواده قرار دارند. در اینجا به مهم‌ترین این دسته از کارکردهای تربیتی اشاره می‌شود که عبارت‌اند از تقویت ایمان دینی، سلوک عبادی، تعهد عملی، دریافت اجر و ثواب معنوی و تکامل معنوی افراد خانواده.

تقویت ایمان دینی

از مهم‌ترین برون‌دادها و کارکردهای مدیریت خانواده، تقویت ایمان دینی و باورهای اعتقادی اعضای آن است؛ چه اینکه با رعایت بازه‌های زمانی برنامه‌ریزی‌شده و انجام به‌موقع فعالیت‌ها در طول زمان و نیز تعهد عملی به آن، بر ایمان قلبی اعضای خانواده افزوده می‌شود؛ چون عبادت و انجام دعا و مناجات و شرکت در مراسم دینی و مذهبی به‌صورت مکرر و روزمره، در فکر و اندیشه فرد اثر می‌گذارد و سبب تحکیم باور اعتقادی او می‌شود. خداوند در مورد تأثیر عمل صالح بر تقویت ایمان قلبی می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید، تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است (آل عمران: ۳۱). طبق این آیه شریفه، محبت خدا زمینه‌ساز تبعیت از رسول خدا ﷺ و پیروی از پیامبر، عامل جذب محبت خدا معرفی شده است که این محبت، مغفرت الهی را در قیامت به دنبال دارد. بدین ترتیب، عمل به دستور پیامبر اسلام ﷺ محبت و مغفرت خدا را در پی دارد که همه ناشی از ایمان قوی به خدای متعال هستند. در نتیجه رفتار مؤمنانه عامل تقویت باورهای دینی و اعتقادی است که غفران الهی بر آن مترتب می‌شود؛ چرا که ایمان و عمل رابطه دوسویه دارند و همان‌گونه که ایمان بر عمل صالح تأثیر دارد، عمل نیز بر ازدیاد ایمان ایفای نقش می‌کند.

مفاد آیه به‌صورت عام شامل محیط خانواده است و بر اساس آن، مدیریت عملکرد اعضای خانواده و رعایت آن در روز و هفته و ماه به‌صورت طولانی‌مدت، معرفت دینی و اسلامی افراد خانواده را شکوفا می‌سازد؛ چه اینکه عبادت منظم و مستمر پدر و مادر، در دل فرزندان تأثیر می‌گذارد و در مقابل رفتار عبادی فرزندان بر اراده و تصمیم والدین اثر مثبت دارد. به‌علاوه اینکه عمل هرکدام از اعضای خانواده با نظم و معنویت، بر قلب خودش تأثیر گذاشته و ایمان باطنی او را تقویت می‌کند. در نهایت برآیند مدیریت و استمرار آن در محیط خانواده، باعث تقویت نیروی باطنی آنها یعنی باورهای اعتقادی ایشان می‌شود. گوهر ایمان در اثر فعالیت عبادی و معنوی پرورش پیدا می‌کند؛ چنان‌که شناخت صفات جمال و جلال الهی عامل رشد ایمان قلبی انسان است. خداوند در سوره معارج، آیه ۱۹-۲۷ دو دسته از انسان‌ها را معرفی می‌کند که دسته اول هنگام رسیدن بدی «هلول» و «جزوع» و موقع رسیدن خوبی «منوع» هستند. این گروه در واقع ایمانشان

ضعیف است؛ ولی در مقابل، دسته دوم کسانی هستند که اهل نماز، اتفاق به نیازمندان و مؤمن به روز قیامت اند. این گروه راضی به رضای خدایند و جزع و فزعی در برابر اراده خدا ندارند. نتیجه اینکه اعمال این دو گروه، بر تقویت و تضعیف ایمان آنها تأثیر دارد؛ گروه اول رفتارشان باعث سستی و گروه دوم اعمالشان موجب تحکیم باورهای قلبی ایشان است. هرگاه تنظیم رفتارهای خانوادگی و عبادت و معنویت به شکل درست فراهم گردد، بستری می شود برای پرورش ایمان باطنی اعضای خانواده که از برون دادها و کارکردهای مهم مدیریت در خانواده به حساب می آید (ر. ک: داودی، ۱۳۸۳: ص ۱۸۴).

سلوک عبادی

ادای عبادات مانند نماز در اول وقت، از جمله کارهای تأکید شده در گفتار و رفتار معصومین علیهم السلام است که در محیط خانواده باید اجرایی شود. در آیات و روایات فراوانی به نماز و مواظبت بر نماز اول وقت سفارش شده است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ﴾؛ در انجام همه نمازها کوشا باشید (بقره: ۲۳۸)؛ یعنی همه نمازها را باید به موقع انجام دهید و نباید از وقتش تأخیر اندازید. همین حفاظت و تداوم بر نماز اول وقت، عامل رستگاری نمازگزاران است. خداوند در این مورد می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾؛ و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند، (رستگارانند) (مؤمنون: ۹). از این نوع آیات، هم اصل وجوب نماز و هم لزوم مداومت بر آن در اول وقت استفاده می شود. در این صورت نمازگزار، رستگار و سعادتمند دنیا و آخرت خواهد بود. در نتیجه این عبادت های شبانه روز و اول وقت، به تدریج سلوک عبادی انسان عابد شکل می گیرد. این کار در خانواده و اجرای آن میان اعضای خانه، موجب تعیین سلوک و رفتار عبادی می شود و هرکدام از اعضای خانواده، مرتب و مقید به نماز اول وقت پرورش می یابند.

احادیث در مورد فضیلت نماز اول وقت بسیارند و هرکدام بر اولویت اتیان نماز در وقت اولش دلالت دارند. امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام وصیت می کند: «أَوْصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا»؛ فرزندم تو را به نماز اول وقت وصیت می کنم (عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۹۱). وصیت امام معصوم در اواخر عمر، دلیل بر اهمیت موضوع است و اینکه نماز اول وقت، هم فضیلت بسیار دارد و هم زمینه عادت بر کار نیک را برای نمازگزاران فراهم می آورد، تا این عادت پسندیده در آنها تثبیت شود. نکته جالب اینکه وصیت امام علی علیه السلام به فرزندان است و مربوط به امور خانواده می شود که دقیقاً با موضوع مدیریت خانواده ارتباط مستقیم دارد. در حقیقت، انجام به موقع وظایف و به ویژه نماز اول وقت، مهم ترین کارکرد تربیتی - معنوی و برون داد مدیریت امور خانواده و نظارت و کنترل آن است که آثار رفتاری مثبت در میان اعضای خانواده به جا می گذارد.

تعهد عملی

ایجاد تعهد عملی به دین و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر دین‌داری، از دیگر کارکردهای تربیتی - معنوی مدیریت خانواده است که با برنامه‌ریزی صحیح در افراد ساکن در خانه به وجود می‌آید و در زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. در زندگی خانوادگی دو نوع عملکرد وجود دارد: یکی گفتاری و آنچه که فرد به زبان می‌آورد و وعده عمل به آن را می‌دهد و دیگری رفتاری که در عمل از خود نشان می‌دهد. خیلی از افراد در محیط خانه و جامعه در گفتار، مدعی رفتارهایی هستند که در مقام عمل کمتر به آنها متعهدند. به همین دلیل، قرآن کریم مدعیان زبانی و متخلفان عملی را این‌گونه مذمت می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید و به آن عمل نکنید (صف: ۱-۲). در جای دیگر می‌فرماید: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾؛ آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌کنید (بقره: ۴۴).

این آیات در مذمت دوگانگی زبان و عمل نازل شده و عمومیت دارند و فضای خانواده را نیز شامل است؛ بدین معنا که نباید اعضای خانواده بر گفتار بدون عمل اکتفا کنند. ادعای بدون عمل بر اساس این آیات، موجب خشم خدای متعال است و انسان را از خدا دور می‌سازد. افرادی که دیگران را به نیکویی دعوت می‌کنند، ولی از خود غافل هستند، به شدت سرزنش شده‌اند. بنابراین، در خانواده نباید به وعده و وعید زبانی بسنده کرد؛ بلکه باید افزون بر گفتار، به عمل نیز متعهد بود؛ چنان‌که امام صادق (علیه السلام) در بیان جایگاه ویژه عمل می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم را با اعمال خود به خوبی - ها دعوت نمایید و تنها به زبان اکتفا نکنید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۹۸). این حدیث تعهد عملی را از همه مردم و به‌خصوص اعضای خانواده خواسته و به اجرای دستورات الهی در عمل فرمان داده است. راه عملیاتی‌سازی اوامر قرآن و حدیث هم، مدیریت زمان و برنامه‌ریزی در محیط خانواده است که باید به‌وسیله مدیر یعنی پدر خانواده انجام گیرد. در نتیجه، التزام به رعایت دستورالعمل‌های مدیریت در محیط خانواده، تعهد عملی را برای اعضا به وجود می‌آورد. این اثر، مهم‌ترین کارکرد تربیتی مدیریت خانواده در جهت تقویت روحیه عبادی معنوی افراد خانواده است.

تکامل معنوی

آخرین برون‌داد و کارکرد تربیتی در حیطه معنوی مدیریت خانواده، تکامل روحی و معنوی و در نهایت نیل به مقام قرب آفریدگار است که برای افراد خانواده حاصل می‌شود؛ چون با عبور از فرایند مدیریت با روش پیش‌گفته در این مقاله، هر فرد از اعضای خانواده به لحاظ ایمان و تقوا رشد می‌کند. طبیعی است که رشد ایمان قلبی و تعهد عملی به آموزه‌های دینی بر اساس سبک دینی و سلوک عبادی تنظیم یافته، روح انسان را

قوی و معنویت او را فزونی می‌بخشد. قرآن کریم هم انسان باتقوا را گرامی‌ترین فرد نزد خدا معرفی کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست (حجرات: ۱۳). بر اساس این آیه شریفه، تقوا و عمل صالح، آدمی را به خدا نزدیک می‌سازد. روشن است کسی می‌تواند تقرب به خدا پیدا کند که مراتب تکامل روحی و معنوی را کسب کرده باشد. اینجاست که خداوند انسان مؤمن را با غیر مؤمن متفاوت دانسته و می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾؛ آیا کسی که باایمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟ نه، هرگز این دو برابر نیستند (سجده: ۱۸). مقایسه ارائه شده در این آیه میان مؤمن و فاسق و یکسان نبودن آن دو نزد خدای متعال، امر روشنی است که جهت تفکر و تعقل به مسلمانان عرضه شده تا با تأمل در آن، خود را ارزیابی نمایند و تا فرصت هست، کاری کنند که در زمره اهل ایمان قرار گیرند.

هرگاه انسان به لحاظ روحی و معنوی رشد کند، با بی‌اعتنایی به دنیا، از لذت‌های زودگذر مادی و جسمی صرف‌نظر کرده و به حیات اخروی دل می‌بندد؛ به همین علت، کارهایی را در دنیا انجام می‌دهد که او را به سعادت اخروی برساند و با عبادت و مناجات و تضرع در پیشگاه ربُّ الارباب تلاش می‌کند که به این هدف بلند دست یازد؛ هدفی که همه انبیا و اولیای خدا به آن دعوت کردند و پیروان آنها با تبعیت از ایشان سرانجام به آن هدف نایل شدند. به جرئت می‌توان گفت که اگر خانواده‌ها به مدیریت خانواده و تربیت صحیح اولاد اهتمام ورزند، به آسانی می‌توانند به هدف مهم زندگی که تکامل روحی و معنوی است برسند و در نهایت از سعادت ابدی و نعمت‌های اخروی بهره‌مند گردند.

اجر و ثواب معنوی

نتیجه واقعی فرایند مدیریت خانواده که ثواب معنوی است، به کسانی برمی‌گردد که به آن برنامه عمل کنند و در محیط خانواده تعهد عملی به وظایف دینی از خود نشان داده و به آن استمرار ببخشند؛ چه اینکه از منظر قرآن کریم، نتایج اعمال هرکس به خودش برمی‌گردد و در قیامت بدون کم‌وزیاد نصیب او می‌شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾؛ پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد، آن را می‌بیند و هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده، آن را می‌بیند (زلزال: ۷-۸). این آیه بر نتایج اعمال دلالت دارد و اینکه هیچ عملی بدون اثر نیست و رفتاری هرچند کوچک اثرش در قیامت به صاحب آن بازمی‌گردد. کار نیک ثواب دارد و کار بد عقاب که هر دو در روز واپسین بدون کم‌وزیاد به صاحب عمل برمی‌گردد. در این زمینه آیات قرآن بسیار زیادند و در مجموع آدمی را به آثار اخروی اعمال توجه می‌دهند که نباید از عواقب کارهای انجام‌شده غافل شد.

پاداش و عقاب هر دو بر عمل فیزیکی انسان مترتب است و در روز قیامت ظهور و بروز پیدا می‌کند. اجرای فرایند مدیریت در محیط خانواده موجب شکل‌گیری سبک زندگی و تعیین سلوک عبادی و معنوی



می‌شود. در این فرایند، تعهد عملی به عبادت و معنویت و دیگر وظایف در اعضای خانواده پدید می‌آید و بدین طریق واجبات و مستحبات مانند نماز و روزه به‌وقت انجام می‌گیرد. هر عملی که با نیت خالص از ایمان قلبی صادر شود، ثواب دارد و جزو اعمال صالح شمرده می‌شود که قطعاً پاداش مناسب بر آن مترتب است. خداوند در مورد ثواب اعمال صالح می‌فرماید: ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾؛ آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آمرزش و روزی پُرازشی برای آنهاست (حج: ۵۰). آمرزش الهی در قیامت و رزق کریم، پاداش صالحان ذکر شده که به گفته برخی کارشناسان، منظور از رزق کریم، ایمان، سعادت و کرامت انسان است که او را به بهشت رهسپار می‌کند (خوزانی، ۱۳۸۹: ص ۲۲). تعهد رفتاری در محیط خانواده، زمینه‌ساز عمل صالح و در نهایت ورود به بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی است. این نتیجه از برون‌دادهای مهم مدیریت زمان در خانواده به حساب می‌آید.

نتیجه گیری

- از مجموع آنچه در این مقاله ذکر شد، به عنوان نتایج نهایی، به نکاتی اشاره می شود:
۱. لزوم اجرای فرایند مدیریت در فضای خانواده از سوی مدیر و پدر خانواده که اداره و سرپرستی این نهاد مقدس را بر عهده دارد.
 ۲. لزوم برنامه ریزی در محیط خانواده به عنوان یک اصل در فرایند مدیریت خانواده که باید با مشورت اعضای خانواده صورت گیرد؛ یعنی پدر با مشورت و هماهنگی همسر و فرزندان این کار را انجام دهد و تکیه و تکروی در میان اعضا نباشد.
 ۳. لزوم صداقت، همکاری و هماهنگی زن و شوهر در محیط خانه که بدون آن هیچ کار مفیدی در خانواده انجام نخواهد شد.
 ۴. لزوم رعایت سلسله مراتب مدیریتی در میان اعضای خانواده، بدین معنا که پدر مسئول، مادر همکار و فرزندان نیروهای عملیاتی سازمان خانواده اند و هرکدام از مقام بالاتر اطاعت نمایند.
 ۵. برنامه ریزی و تقسیم اوقات شبانه روز طبق روایات معصومین علیهم السلام در بازه های زمانی سه یا چهاربخشی و در اولویت قرار گرفتن تعیین زمان عبادات و معنویات.
 ۶. با اجرای فرایند مدیریت به صورت دقیق و نظارت و کنترل درست، کارکردهای تربیتی و برون دادهای پیش گفته یقیناً تحقق می یابد.
 ۷. رسیدن به پاداش اخروی در پی تکامل روحی و معنوی، آخرین کارکرد تربیتی مدیریت خانواده است که در نهایت نصیب اعضای خانواده می شود و آنها به مقام قرب الهی نایل می گردند.



قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۶.

۱. آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن حجاج نیشابوری، مسلم (۱۴۰۱ق). *صحیح مسلم*، بیروت، المکتب الاسلامی.
۳. ابی داود، سلیمان (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م). *سنن ابی داود*، تحقیق: سید محمد سید، مصر، دارالحديث.
۴. احمدی، علی رضا (۱۳۸۶). *مبانی و اصول مدیریت اسلامی*، تهران، تولید دانش.
۵. احمدی، محمدرضا و محمدآبادی (۱۳۸۶). *تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۶. اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). *جامعه شناسی خانواده*، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۷. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۹). *مدیریت عمومی*، تهران، نشرنی.
۸. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸). *مدیریت در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. انجمن علمیه حوزه علمیه قم (۱۳۹۲). *مدیریت اسلامی*، قم، زلال کوثر.
۱۰. بازرگان، عباس (۱۳۸۹). *ارزشیابی آموزشی*، تهران، سمت.
۱۱. باقریان خوزانی، محمد (۱۳۸۹). *بازتاب دنیوی اعمال از دیدگاه قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. پروند، محمدحسین (۱۳۷۱). *مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی*، تهران، انتشارات صفحه.
۱۳. حر العاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. پیروز، علی آقا (۱۳۸۸). *مدیریت اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. فقیهی، علی نقی (۱۳۹۳). مقاله: «پنج اصل مهم پرورش زندگی اسلامی»، *مجموعه مقالات سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام)*، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).
۱۶. حر العاملی، محمد، (۱۴۱۲ق). *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. داودی، محمد (۱۳۸۳). *تربیت دینی*، قم، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۱۸. دیوید لونس (۱۳۹۳). *مدیریت زمان*، ترجمه: کامران روح شهباز، تهران، ققنوس.
۱۹. رُس جی (۱۳۸۶). *مدیریت زمان*، ترجمه: مسعود احمدی، تهران، کوهسار.
۲۰. الصدر، السید محمد باقر (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م). *دروس فی علم الأصول*، طبع دوم، بیروت، دارالکتاب اللبنانی.
۲۱. سیف، علی اکبر (۱۳۸۵). *اندازه گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی*، تهران، نشر دوران.
۲۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۸). *روان شناسی پرورش نوین*، تهران، نشر دوران.
۲۳. سینجر، مارک ج (۱۳۷۸). *مدیریت منابع انسانی*، ترجمه: فریده آل آقا، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۴. صدوق، محمد (۱۴۱۷ق). *الامالی*، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة.

۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
۲۶. طیبیان، حمید (۱۳۷۸). *فرهنگ فرزاد*، تهران، نشر پژوهش فرزاد روز.
۲۷. عبد علی، عروسی حویزی (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
۲۸. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۵). *مقدمات مدیریت آموزشی*، تهران، بعث.
۲۹. علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱۴۰۶ق). *فقه الرضا*، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۳۰. فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده و طلاق*، انتشارات منصوری.
۳۱. فردریک، کاپلستون (۱۳۶۸). *تاریخ فلسفه یونان و روم*، ترجمه: سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران، سروش.
۳۲. فلیپ، مک‌گراو (۱۳۸۸). *روان‌شناسی خانواده موفق*، ترجمه: محمد مهدی شریعت‌باقری، تهران، دانژه.
۳۳. القصیر، عبد القادر (۱۹۹۹م). *الاسرة المتغيرة فی المجتمع المدینة العربیة*، بیروت، دار النهضة العربیة.
۳۴. قمی، عباس (۱۳۸۰). *سفینه البحار*، بی‌جا، دارالاسوه.
۳۵. کاویانی، محمد (۱۳۹۱). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق). *اصول کافی*، بیروت، دارالاضواء.
۳۷. گائینی، ابوالفضل و رضا نجاری (۱۳۹۲). *مدیریت منابع انسانی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۸. گروه روان‌شناسی (۱۳۸۶). *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۹. گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، جمعی از مترجمان، تهران، نشر مازیار.
۴۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، جامعه لدر اخبار الانمه الاطهار علیهم السلام، الطبعة الثالثة، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۱. محسنی، منوچهر (۱۳۸۳). *مقدمات جامعه‌شناسی*، نشر دوران.
۴۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۵). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). *حرکت و زمان در فلسفه اسلامی*، تهران، انتشارات حکمت.
۴۴. مکارم، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۵. مورگین استرن، جولی (۱۳۸۳). *مدیریت جامع زمان*، ترجمه: مهدی قراچه‌داغی، تهران، پیک بهار.
۴۶. میان‌داری، کمال (۱۳۸۸). *مدیریت اسلامی*، زنجان، انتشارات دانش.
۴۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۸. وهبة الزحیلی (۱۴۲۰ق). *الاسرة المسلمة فی العالم المعاصر*، مصر، دارالفکر.
۴۹. هندی، علاء‌الدین متقی (۱۴۰۱ق). *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.



سنخ‌شناسی انگیزش دینی بر پایه آیات و روایات

حسین شریفی^۱

محمد صادق شجاعی^۲

چکیده

سنخ‌شناسی انگیزش دینی می‌تواند به شناسایی مشابهت‌ها، الگومندسازی آن و مشخص نمودن رابطه بین الگوها در میان گستره‌ای از تنوع‌ها بر اساس معیاری یکسان و پذیرفته‌شده بینجامد. مسئله اصلی تحقیق این است که در منابع اصیل اسلامی چون قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) چه سنخ‌هایی از دین‌داران وجود دارند، با چه انگیزه‌هایی به دین روی می‌آورند، و هر سنخ دارای چه نشانه‌هایی هستند؟ سنخ‌بندی دین‌داران در حوزه انگیزش، اغلب حول محور نظریه جهت‌گیری درونی و بیرونی آلپورت مطرح می‌شود. این روان‌شناس با معرفی دو نوع انگیزش دینی درون‌زا و برون‌زا، منشأ پذیرش دین در افراد با انگیزش دینی درون‌زا را نیاز اساسی آنها به اعتقادات مذهبی و پیروی از الگوی رفتاری و اعتقادی دینی برای تکامل در زندگی فردی و اجتماعی می‌داند؛ در صورتی که افراد با انگیزش برون‌زا دین را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود تلقی می‌کنند. با توجه به نوع و ماهیت پژوهش (متن‌محور و مبتنی بر گزاره‌های دینی) روش به کار رفته در آن، از نوع روش‌های تحلیل محتواست که برای فهم متون مقدس استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سنخ‌های انگیزش دینی شامل دین‌داری دنیاگرا، دین‌داری ترس‌محور، دین‌داری پاداش‌محور، دین‌داری شکر‌محور، دین‌داری حیا‌محور و دین‌داری محبت‌محور است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که شناخت، زیرساخت سنخ‌ها را تشکیل می‌دهد؛ یعنی ماهیت و میزان شناخت افراد از خداوند است که آنها را در سنخ‌های متفاوت از جهت اهمیت، ارزش و ثبات قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی، انگیزش دینی، دین‌داری، آموزه‌های دینی، روان‌شناسی دینی و مذهب.

۱. پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (علیه‌السلام) hossein.sharifi335@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (علیه‌السلام) (نویسنده مسئول) s_shojaei@yahoo.com